

بهره گیری از مؤلفه های ژئوپلیتیک در جهت پیوند راهبردی میان سیاست خارجی ایران و کشورهای آسیای مرکزی

دکتر هادی اعظمی (عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

نرگس قاسمی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات)

ریحانه عالم (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران)

نجمه آقا ملایی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر جغرافیا بر سیاست می‌پردازد و عوامل ثابت مانند فضا، سرزمین، قلمرو، وسعت خاک و عوارض طبیعی و عوامل متغیر مانند جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بررسی آن مورد توجه است. نقش ژئوپلیتیک در روابط و تعاملات کشورها با یکدیگر غیر قابل انکار است و اهمیت این جایگاه در میان کشورهای همسایه ملموس تر به نظر می‌رسد. مهم ترین پدیده‌ای که در نیم قرن اخیر موجب تحول در نقشه سیاسی جهان گردیده، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است که از تبعات آن می‌توان به همسایگی ایران با کشورهای آسیای مرکزی اشاره کرد. این همجواری چشم انداز نوینی در عرصه سیاست خارجی دو جانبه ایجاد نمود. ایران می‌تواند به دلیل پیوندهای تاریخی و علایق سنتی در منطقه و همچنین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود، جایگاه ویژه‌ای در منطقه آسیای مرکزی احراز نماید. برای رسیدن به این هدف، منطقه آسیای مرکزی باید به عنوان یکی از اولویت‌ها در سیاست خارجی ایران تعریف گردد. در پژوهش حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است به بررسی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر در تعمیق روابط ایران و آسیای مرکزی پرداخته خواهد شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ایران و آسیای مرکزی، تقریباً در تمامی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک از قابلیت‌های بالایی برای همکاری و گسترش روابط برخوردارند. از جمله این پتانسیل‌ها می‌توان به مشترکات فرهنگی، دینی و زبانی در مسائل جمعیتی، وجود ذخایر عظیم انرژی و منابع آب از بعد منابع طبیعی، عضویت ایران و کشورهای آسیای مرکزی در پیمان‌ها و اتحادیه‌های مختلف از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و سازمان اکو از منظر سیاسی اشاره کرد که نشان از ظرفیت‌های موجود برای گسترش و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای است.

کلید واژه‌ها: ژئوپلیتیک، عوامل ثابت ژئوپلیتیک، عوامل متغیر ژئوپلیتیک، آسیای مرکزی، ایران.

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان پل ارتباطی میان آسیای شرقی، خاورمیانه و اروپا از دیرباز مورد توجه بوده است. قدرت‌های بزرگ جهانی در گذشته از جمله امپراتوری چین، ایران و روم و قدرت‌های بزرگ امروزی همواره در صدد تسلط بر این منطقه بوده‌اند. این منطقه در قرن نوزدهم عرصه رقابت روس و انگلیس به‌عنوان دو بازیگر اصلی بود و در دوره جنگ سرد جزئی از قلمرو سیاسی و ژئوپلیتیکی شوروی به‌شمار می‌رفت. در ابتدای دهه ۹۰ و در سال ۱۹۹۱ بار

دیگر توجهات به تحولات و رویدادهای منطقه آسیای مرکزی جلب شد، چرا که با فروپاشی شوروی، کشورهای منطقه آسیای مرکزی فرصت تعیین سرنوشت خود و پیوستن به جامعه بین‌المللی به‌عنوان واحدهای مستقل را به دست آوردند.

علاوه بر ارزش ژئواستراتژیک کشورهای آسیای مرکزی، نقش این منطقه به منزله یک پل طبیعی بین اروپا و آسیا حائز اهمیت است. خاورمیانه در جنوب و آسیای جنوبی، چین و کشورهای خاور دور در شرق این منطقه قرار دارد. همجواری با کشورهای اروپای غربی، روسیه و قفقاز از غرب و شمال بر اهمیت این منطقه افزوده است. این موقعیت ویژه موجب شد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال کسب منافع در منطقه فعال گردند و با مهندسی سیاسی و اجتماعی این کشورها را در مسیر اهداف راهبردی خود قرار دهند.

کشور ایران پس از فروپاشی شوروی کوشید تا از رهگذر ارتباط و تماس مستقیم با کشورهای منطقه آسیای مرکزی در این منطقه حضور یابد. از این رو، در نخستین اقدام پس از فروپاشی شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته، به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بلافاصله شروع به تأسیس نمایندگی‌های سیاسی خود در این کشورها کرد. ایران در روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی با سه رویکرد متفاوت عمل نموده است:

۱. رویکرد ایدئولوژیک با محوریت اسلام

۲. رویکرد فرهنگی با تأکید بر مشترکات فرهنگی، تاریخی و زبانی

۳. رویکرد عمل‌گرایی با رعایت ملاحظات سیاسی.

جمهوری اسلامی ایران باید با اتخاذ یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ملاحظات ژئوپلیتیکی با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور ایران و منطقه آسیای مرکزی در جهت پیوند راهبردی میان سیاست خارجی اش با کشورهای آسیای مرکزی حرکت نماید. هدف از تحقیق حاضر بررسی این مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی است.

ژئوپلیتیک و عوامل مؤثر آن

ژئوپلیتیک را می‌توان هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی و در راستای تأمین امنیت جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی دانست (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱). در تعبیری دیگر، ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد و یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. مسلماً هدف یک قدرت (به‌عنوان یک پدیده جغرافیای سیاسی) از این روابط ایجاد موازنه با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گسترش آن با توجه به نقش امکانات جغرافیایی است. با این تعریف ژئوپلیتیک بیشتر حالت یک نظام فراملتی را دارد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۲۲) عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک به دو دسته تقسیم می‌شود: «عوامل ثابت» و «عوامل متغیر» که به اختصار بدان می‌پردازیم:

عوامل ثابت

- ۱- **موقعیت جغرافیایی:** عبارت است از نحوه قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین که خود دارای حالت عمومی، نسبی، خصوصی و ریاضی است. موقعیت جغرافیایی را به انواعی تقسیم نموده‌اند:
- الف. موقعیت دریایی:** از زمان‌های قدیم، دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم توسعه‌طلبی کشورها بوده است. این تصور عام وجود دارد که در اختیار داشتن آب‌های آزاد شرط لازم برای رسیدن به قدرت جهانی است. بیش‌تر پژوهندگان، مداخله نظامی شوروی سابق به افغانستان را دنباله سیاست‌های پیشین روسیه تزاری برای دسترسی به آب‌های گرم دانسته‌اند. (گرومف، ۱۳۷۵: ۱۰)
- ب. موقعیت ساحلی:** حالت شبه‌جزیره‌ای است، این موقعیت به دلیل آن که نقطه حساس اتصال بری و بحری است، منطقه‌ای فعال و نفوذپذیر است. بهترین نمونه آن شبه جزیره جنوب غربی آسیاست. تاریخ چنین سرزمین‌هایی متأثر از آب بوده و تابع آن است.
- ج. موقعیت بری مرکزی:** سرزمین‌های محصور در خشکی که به‌طور مستقیم به آب‌های آزاد راه ندارند دارای چنین موقعیتی هستند.
- د. موقعیت استراتژیک:** نقاط استراتژیک، به‌طور کلی، نقش ارتباطی منحصربه‌فردی دارند که تابع راهبردها و فناوری‌ها بوده و ثابت نیست و برخی عوامل کمی و کیفی در آن دخالت دارد. نقاط مزبور دارای ارزش‌های متفاوت (نظامی، اقتصادی و یا نظامی - اقتصادی) هستند. نکته قابل توجه این که همواره نقاط بحرانی دنیا با نقاط استراتژیک منطبق‌اند.
- ۲- **فضا:** فضا تا آن‌جا که انسان توانسته است در آن سکونت کند و یا به‌گونه‌ای در آن دخل و تصرف نماید، مورد توجه علم سیاست و جغرافیاست. بنابراین، قلمرو فضایی سیاسی - جغرافیایی با پیشرفت فناوری توسعه می‌یابد. از آن‌جا که فضای جغرافیایی به‌عنوان صحنه عملیات جغرافیایی - راهبردی داریم در حال تحول است، به‌طور مستقیم، بر عوامل سیاسی - جغرافیایی تأثیرگذار است. از این‌رو، نباید این دو واژه را جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، چون در تحلیل سیاسی - جغرافیایی عوامل و امکانات و یا فقدان امکانات جغرافیایی - راهبردی تأثیری قطعی دارد. به گفته جغرافیدان فرانسوی، «هدف نهایی شکست دشمن است، و هدف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی نیز همین است» (لاکست، ۱۳۶۷: ۸۶). جمله مزبور به‌خوبی بیانگر پیوستگی این دو مفهوم است.
- ۳- **وسعت خاک:** در گذشته، جغرافی‌دانان، از جمله راتزل، وسعت زیاد را عامل قدرت می‌دانستند. بر اساس این تفکر، کشورهای کوچک، محکوم به فنا بودند، اما مطابق تفکر نوین، وسعت سرزمین - به تنهایی - ارزش ذاتی ندارد، بلکه عوامل اقتصادی و ویژگی‌های ملی و وسعت هماهنگ با توزیع جمعیت کشور، در توسعه و نیل به قدرت، تأثیر عمده دارند.
- ۴- **وضع توپوگرافی:** شکل بیرونی زمین شامل مرزها، شبکه آب‌ها و ناهمواری‌ها به‌نحوی در جغرافیای سیاسی مؤثر است. (عزتی، ۱۳۸۲: ۹۲)

۵- شکل کشور: یکی از عواملی که نقش فوق‌العاده‌ای در سرنوشت سیاسی کشورها دارد شکل هندسی آن است. مراد از آن فاصله قطره‌ای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. (همان: ۹۳)

عوامل متغیر

- ۱- جمعیت: از منظر جغرافیای سیاسی، ساده‌ترین مطالعه جمعیت کشورها، بررسی حالات گوناگون آن‌هاست. انسان در قبال سایر پدیده‌های طبیعی، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل جغرافیای سیاسی به شمار می‌رود.
- ۲- منابع طبیعی: ارزش و توانایی واقعی یک کشور در گرو منابع طبیعی فراوان و باکیفیت است. غنای هر کشور منوط به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود است. منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. منابع غذایی

ب. منابع معدنی. (همان: ۹۵-۹۷)

با توجه به عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی، هر یک از کشورهای جهان سیاست‌های داخلی و خارجی خود را در راستای حفظ منافع و حیات ملی تنظیم می‌نمایند. به نظر می‌رسد نمای سیاست‌های خارجی بیشتر در معرض دید عموم قرار دارد. ایران نیز در این رهگذر به تنظیم دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی خود با توجه به تحولات جهانی در سطح کلان و تحولات منطقه‌ای در سطح خرد پرداخته است.

دیدگاه ژئوپلیتیکی دگرگون شده ایران نسبت به تعاملات جهانی و منطقه‌ای، دستاورد مطالعه دگرگونی‌های سریع در نظام ژئوپلیتیک جهانی و اولویت‌های آن است. ایران در تعاملات نوین با جهان سیاسی پست‌مدرن از راه تعیین دو منطقه ژئوپلیتیک مهم در سرحدات جنوبی و شمالی با تکیه بر آنچه در این دو جناح می‌گذرد، به نقش‌آفرینی‌های منطقه‌ای خود اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

دامنه گسترده تحولات جهانی دهه ۱۹۹۰م. با دگرگونی‌های بنیادین در عرصه‌های روابط و سیاست بین‌الملل، کشورها را وادار کرد تا با ارزیابی استراتژیک از جایگاه خود در نظام بین‌الملل، ضمن بازبینی در استراتژی سیاست خارجی با تاکتیک‌های نوین، برای پیگیری و تأمین بهینه منافع داخلی و خارجی نیز به نحوی پایدار اقدام نمایند (راست و استار، ۱۳۸۱: ۱۸).

جمهوری اسلامی ایران نیز، ضمن آگاهی از منافع متقابلی که در ارتباط با کشورهای مختلف جهان وجود دارد، پس از فروپاشی شوروی، علی‌رغم برخی محدودیت‌ها، در پی حضور مؤثر در این منطقه است. آنچه در این روند باید مورد توجه ویژه باشد، ویژگی ژئوپلیتیکی ایران و منطقه آسیای مرکزی است، که می‌تواند مبنای مناسبی برای پیوند راهبردی میان سیاست خارجی ایران و کشورهای این منطقه قرار گیرد. آنچه مدنظر پژوهش حاضر است شناسایی بهتر و به‌کارگیری این مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در قالب عوامل ثابت و متغیر تأثیرگذار است، عناصر و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی همانند پیوستگی و مجاورت جغرافیایی، نیاز کشورهای آسیای مرکزی به مسیر ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد و

مسیرهای حمل و نقل و انتقال انرژی، لزوم حسن همجواری، امنیت متقابل، روابط اجتماعی و فرهنگی ملت‌های منطقه آسیای مرکزی و ایران و علائق فرهنگی مردم به فرهنگ و تمدن ایران و وجود ریشه‌های آن در منطقه، کنش متقابل اقتصادی، و تهدیدات مشترک.

موقعیت جغرافیایی، به‌عنوان عامل ثابت ژئوپلیتیکی برای پیوند راهبردی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی

آسیای مرکزی شامل پنج جمهوری قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان است و منطقه وسیعی را در بر می‌گیرد که حدود چهارمیلیون کیلومتر مربع وسعت دارد و دارای جمعیتی حدود ۶۰ میلیون نفر است. این منطقه از شمال به فدراسیون روسیه، از شرق به چین، از جنوب به ایران و افغانستان، و از غرب به دریای خزر محدود می‌شود.

با توجه به شرایط این جمهوری‌ها و معضلات سیاسی، اجتماعی و امنیتی آنها، موضوع «امنیت» و «ثبات» یکی از دل مشغولی‌های ایران در این منطقه است. در واقع ایران معتقد است در شرایط و ثبات و امنیت، این جمهوری‌ها می‌توانند اهداف خود را محقق سازند و اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در چنین شرایطی تأمین گردد. لذا ایران همواره تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و مزیت‌های اقتصادی و فرهنگی خود، از جمله میانجیگری در مناقشات و درگیری‌های موجود در منطقه، به رفع بحران‌های بالقوه و بالفعل در منطقه کمک کند و منطقه را به سوی نوعی صلح پایدار رهنمون سازد. همچنین یکی دیگر از اهداف اولویت‌های امنیتی ایران در منطقه آسیای مرکزی این است که در زمینه‌های نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منطقه نه تنها افزایش پیدا نکند، بلکه کاهش هم بیابد. این امر نیز بستگی زیادی به ثبات و یا بی‌ثباتی منطقه دارد؛ لذا، در این راستا، ایران کوشش نموده تا همکاری امنیتی را در سطح منطقه تقویت کند و بدین طریق تهدید ناشی از بی‌ثباتی و منازعات منطقه‌ای را خنثی سازد.

موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی از نظر تجاری اهمیت فوق‌العاده‌ای به این ناحیه داده است. قبل از کشف راه‌های دریایی، تمام راه‌های اصلی تجارت میان آسیای مرکزی و شرقی با اروپای شرقی و کشورهای خاور نزدیک، بر این ناحیه متکی بود (کائوشیک، ۱۹۷۰: ۱۴).

ایران از طریق امضای توافق‌نامه‌هایی در بخش‌های مختلف اقتصادی و تجاری، از جمله موافقت‌نامه‌های بلندمدت بازرگانی، حمایت و تشویق از سرمایه‌گذاری، اجتناب از اخذ مالیات مضاف، موافقت‌نامه‌های حمل و نقل زمینی و هوایی، امضای ترتیبات بانکی، و برگزاری اجلاس‌های منظم کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، زمینه‌های لازم را برای گسترش مبادلات تجاری و توسعه همکاری‌های اقتصادی با هریک از جمهوری‌ها فراهم آورد. آمار مبادلات بازرگانی، طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، گویای روند رو به افزایش حجم مبادلات تجاری با این کشورهاست. توافقات خوبی در پروژه‌های زیربنایی، مانند احداث خط آهن سرخس-تجن، احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به جمهوری اسلامی ایران، احداث خط لوله انتقال نفت نکا-ری، توسعه پایانه‌های مرزی، بهبود راه‌های منتهی به مرزهای

مشترك در سمت ايران، به عمل آمد و همزمان در خصوص يك رشته پروژه‌هاي اساسي ديگر، مانند احداث خط لوله انتقال نفت قزاقستان و تركمنستان از خاك ايران به خليج فارس و نيز گسترش همكاري‌هاي نفت و گاز با تركمنستان، مذاكرات اوليه انجام شد كه به دليل مخالفت آمريكا هنوز عملي نشده است.

در مجموع، مي‌توان گفت علي‌رغم موقعيت ممتاز جغرافيايي ايران، آنطور كه بايد از اين عامل مهم براي برقراري و ارتقاء روابط با كشورهاي آسياي مركزي بهره‌برداري‌هاي شايسته صورت نگرفته است.

عوامل متغير ژئوپوليتيكي مؤثر در پيوند راهبردي ميان ايران و كشورهاي آسياي مركزي

ايران با توجه به ويژگي‌هاي خاص ژئوپوليتيك، ژئواكونوميك و ژئوكالچر، يك كشور مؤثر بين‌المللي است و بسيار فراتر از كشوري منطقه‌اي و محلي عمل مي‌كند. بسياري از كشورها صرفاً يك كشور بومي به‌شمار مي‌روند؛ يعني نه قدرت منطقه‌اي هستند و نه بر تحولات منطقه تأثير چنداني مي‌گذارند. در اين باره مي‌توان مثال‌هاي بسياري را در آسيا، آفريقا و حتي اروپا ذكر كرد. برخي كشورها در مسائلي فراتر از مسائل داخلي خود مؤثرند و مي‌توانند تحولات منطقه‌اي و حتي فرامنطقه‌اي را تحت تأثير قرار دهند كه اصطلاحاً از آنها با عنوان «بازيگران منطقه‌اي» و يا بين‌المللي نام برده مي‌شود. ايران علاوه بر آنكه يك قدرت منطقه‌اي به حساب مي‌آيد، كشوري بين‌المللي و حتي در برخي ويژگي‌ها جهاني است؛ يعني حرڪات، رفتار و فعاليت‌هاي آن نه تنها در منطقه و پيرامون آن خلاصه نمي‌شود، بلكه برخي از آنها در كل جهان نيز بازتاب پيدا مي‌كند، همچنان كه تحولات جهاني نيز بر آن تأثيرگذار است (رمضاني، ۱۳۸۰: ۷۱). با عنايت به موقعيت ايران در منطقه و جهان عوامل متغير، مؤثر ژئوپوليتيكي براي پيوند راهبردي ميان سياست خارجي ايران و كشورهاي آسياي مركزي عبارت‌اند از:

۱- جمعيت

بزرگ‌ترين عامل پيشرفت و توسعه ملي هر كشوري مردم آن به شمار مي‌رود (كولايي، ۱۳۷۲: ۲۳۶)، چرا كه انسان اندیشه‌ورز داراي برخي خصيصه‌هاي غيرمعمولي است كه او را قادر به كسب پايه بي‌نظير و شگفت‌آوري از موفقيت اكلوژيكي كرده است؛ يعني سلطه معنوي و واقعي در قسمت عظيمي از خشكي‌هاي سطح كره زمين (كولايي، ۱۳۸۷: ۲۳) عامل جمعيت بيشتر از ديده‌گاه نظامي و سياسي اهميت دارد، ولي از جهت اقتصادي، بويژه هنگامي كه چگونگي توزيع و پراكندگي جمعيت در سرزمين و روندهاي جمعيت نگاري در نظر باشد، وضع متفاوت خواهد بود. در اين صورت، خصوصيات كيفي جمعيت، ساختمان جمعيت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن به جنس، مهم تر از تعداد صرف آن است (همان، ۱۲۳). اما هرگاه در تجزيه و تحليل مسائل ژئوپوليتيك از انسان صحبت مي‌شود، تنها انسان ماهر داراي هدف و با كيفيت مورد نظر است، چراكه اگر انسان‌هاي ساكن يك كشور از قدرت تجزيه و تحليل خوبي برخوردار نباشند، نمي‌توانند اين موقعيت را درك كنند و اين عدم درك موقعيت، امكان توسعه به معنای واقعي آن را براي ساكنان آن سرزمين تقريباً ناممكن مي‌كند (طبيب، ۱۳۶۹: ۹۵). ايران و كشورهاي آسياي مركزي نيز از اين مسئله به

دور نیستند. ضمن آن که مردمان این کشورها از قابلیت‌های فراوانی برای سازندگی در کشورهای خود برخوردارند و با توجه به مشترکات فراوان می‌توانند در رشد، پیشرفت و توسعه یکدیگر گام‌های مناسبی بردارند.

از جمله این پیوندها میان کشورهای آسیای مرکزی و ایران می‌توان به دین مشترک، میراث فرهنگی مشترک، زبان مشترک (فارسی) به زبان نیاکان در بخش‌هایی از منطقه و نیز تاریخ مشترک (با قدمتی چند هزار ساله) اشاره کرد. این پیوندها خود تا حدودی اهمیت منطقه را برای جمهوری اسلامی ایران روشن می‌سازد (محسنین، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

در خصوص اشتراکات دینی، مسلمان بودن مردم ایران و منطقه آسیای مرکزی عامل مؤثری در اتخاذ سیاست خارجی مناسب در راستای تأمین منافع مشترک این کشورهاست، گرچه درک مذهبی مردم در منطقه آسیای مرکزی با توجه به استیلای هفتاد ساله کمونیسم اندکی تغییر یافته است.

گرایش‌های اسلامی در این منطقه در پایان دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ابتدا اسلام سنتی و محافظه کار بود که با آیین‌های قوی و هویت محلی مردم آسیای مرکزی آمیخته بود (آکینر، بهار ۱۳۸۳). در مرحله دوم اسلام مورد حمایت دولت است که ادامه سیاست‌های رسمی نسبت به اسلام در اواخر دهه ۱۹۸۰ بود. حمایت رهبران آسیای مرکزی از اسلام در واقع اعتراف به این واقعیت بود که پس از خط بطلان کشیده شدن بر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم جامعه در یک خلأ معنوی قرار داشت که پر نکردن آن ممکن بود به بروز و گسترش جریان‌هایی افراطی از اسلام بیانجامد. گرایش سوم اسلام در آسیای مرکزی که در طبقه بندی سیاسی قرار می‌گیرد، شامل گروه‌های فعالی است که به دنبال توجیه قدرت طلبی و خشونت‌گرایی خود در پشت نقاب اسلام هستند. این افراد با عنوان بنیادگرا و رادیکال تلقی می‌شوند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به خطر اسلام‌گرایی افراطی می‌تواند با بهره‌گیری از سابقه مشترک فرهنگی و تاریخی خود مردم این منطقه را در مسیر رسیدن به گرایش درست اسلامی یاری دهد. نکته‌ای که باید مورد توجه جمهوری اسلامی ایران باشد این است که با ظرافت از تأکید بر مذهب خودداری و با تکیه بر دین مشترک در راستای انجام این مهم تلاش نماید.

در بعد دیگر، با فروپاشی شوروی کشورهای آسیای مرکزی از انزوای فرهنگی خارج شدند و این فرصت بسیار مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که به احیای روابط تاریخی فرهنگی خود بپردازد. امضای توافق نامه‌های متعدد فرهنگی بین طرفین در همین راستا صورت گرفته است.

نقش موثر در حل و فصل مناقشات مختلف در منطقه آسیای مرکزی یکی دیگر از اهداف ایران برای حضور مثبت و موثر در این منطقه بوده است. با توجه به همجواری و گذشته مشترک فرهنگی و تاریخی با آسیای مرکزی، ایران می‌تواند در این زمینه سهم بیشتری هم داشته باشد و به یک بازیگر اصلی در این خصوص تبدیل شود. ایفای نقش ایران به منظور برقراری صلح در تاجیکستان پیامد عملی همین سیاست محسوب می‌شود (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۹)، گرچه حضور بازیگرانی چون ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و اسرائیل در مناطق پیرامونی ایران و در برخی

مواقع تحرکات امنیتی این کشورها علاوه بر کاهش نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، تهدیدات امنیتی جدیدی را برای ایران ایجاد نموده است.

۲- منابع طبیعی

۲-۱- انرژی

آسیای مرکزی از لحاظ مواد معدنی به خصوص ذخایر نفت و گاز غنی است، اما دور بودن بازار مصرف این منابع یکی از چالش‌های اساسی پیش روی این کشورهاست. البته منابع تولید و مسئله انتقال منابع یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد انرژی جهان می باشد. از این رو به همان اندازه که منابع نفت و گاز آسیای مرکزی برای بازارهای جهانی مهم جلوه نموده است، در مقابل راه‌های انتقال این منابع نیز بسیار مهم و البته پرچالش نشان داده است. مسئله انتقال منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی، به دلیل رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در چارچوب منافع کشورها با یکدیگر، موجب شده است موضوع انرژی از یک بحث صرفاً اقتصادی تبدیل به یک مسئله ژئوپلیتیکی و استراتژیکی شود. منابع موجود نفت و گاز در آسیای مرکزی، به علت محصور بودن این کشورها در خشکی، برای صدور به بازارهای مصرف، به انتقال انرژی از طریق خطوط لوله کشورهای همسایه نیازمند است. از سوی دیگر، جمهوری‌های آسیای مرکزی، به دلیل نوپا بودن و ضعف اقتصادی، نیاز مبرمی به عواید ناشی از صدور این منابع برای اجرای برنامه‌های توسعه خود دارند. به علاوه انتقال از طریق ایران با توجه به سه عامل امنیت، طول مسیر و هزینه سرمایه گذاری برای احداث خط لوله و حق ترانزیت نسبت به مسیرهای شمالی، شرقی و غربی باصرفه تر است. در مجموع، مسیرهای فعلی انتقال انرژی این منطقه را می توان در شش دسته کلی مورد ارزیابی قرار داد:

۱. گزینه روسیه: از شمال شرقی دریای خزر و از قلمرو داغستان و چچن در روسیه به دریای سیاه
۲. گزینه شرقی: از طریق قزاقستان به چین و بازارهای شرق آسیا
۳. گزینه ترکیه: از طریق آذربایجان و گرجستان و سپس قلمرو ترکیه به دریای مدیترانه
۴. گزینه خزر: از طریق بستر دریای خزر و سپس از یکی از مسیرهای فوق
۵. گزینه افغانستان: از طریق افغانستان و پاکستان به دریای عمان
۶. گزینه ایران: از طریق قلمرو ایران به خلیج فارس یا به دریای عمان

در میان شش گزینه مطرح شده، گزینه ایران برای ترانزیت انرژی به بازارهای جهانی از جنبه‌های اقتصادی، جغرافیایی و زیست محیطی مناسب ترین مسیر به شمار می آید. موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران این امکان را فراهم نموده که ترانزیت انرژی از نظر مبداء یعنی حوزه شرقی خزر و از نظر مقصد به هر دو بازار شرق و غرب جهان مقدر باشد. هیچ یک از گزینه‌های فوق از چنین موقعیتی برخوردار نیستند.

مسیرهای پیشنهادی جنوبی در صورت احداث باید از مسیر ایران بگذرند. این خطوط می توانند منابع انرژی آسیای مرکزی را به خلیج فارس و دریای عمان و از آن جا به بازارهای جهانی برسانند. اما علی رغم تأیید این نکته از سوی بسیاری از کارشناسان نفت و گاز که مسیر ایران مطمئن ترین و ارزان ترین گزینه است، فشارها و مخالفت های ایالات متحده مانع از ایجاد چنین خطوط لوله ای شده است. علاوه بر خطوط انتقال نفت در مسیرهای رقیب ایران، راه های صادرات گاز طبیعی در منطقه دریای خزر نیز، با فشار سیاسی ایالات متحده در راستای انزوای ایران از یک سو و نیز سیاست های فدراسیون روسیه با هدف حفظ و تداوم سلطه سنتی خود بر کشورهای منطقه، از مسیری غیر از ایران عبور می کند. از آن جمله می توان به خط لوله باکو-ارزروم (آذربایجان، گرجستان، ترکیه) خط لوله حرکت گذاری شود. گاز (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان) و خط لوله مرکز آسیای مرکزی و قفقاز (ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، روسیه) اشاره نمود.

ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای آسیای مرکزی محصور در خشکی پیشنهاد می کند. این راه، کوتاه ترین، سریع ترین، امن ترین و اقتصادی ترین مسیر را از منطقه آسیای مرکزی به بازارهای جهانی که شامل شبه قاره هند، چین، ژاپن و خاور دور است فراهم می کند، آن بخش از جهان که تقاضای آینده شان برای انرژی به صورت مداوم در حال رشد است.

ایران همچنین نیروی انسانی ماهر در فناوری نفتی، یک سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه یافته و نیز زیرساخت های کشتیرانی را داراست. به علاوه بنادر، پالایشگاه ها و شبکه های قابل توجهی از لوله نفت و گاز را در اختیار دارد که مزیت های لجستیکی و فناوری قابل ملاحظه ای را برای صادرکنندگان نفت و گاز آسیای مرکزی فراهم می نماید. این انتقال می تواند هم از طریق لوله های نفتی صورت گیرد و هم اینکه به گونه معاوضه (یعنی مصرف نفت و گاز صادراتی آسیای مرکزی در داخل ایران و صدور میزان مشابه از نفت ایران از جنوب) صورت گیرد.

لازم به ذکر است موقعیت ترانزیتی ایران علاوه بر نفت و گاز می تواند برای واردات و صادرات کالاها غیر نفتی نیز مد نظر کشورهای آسیای مرکزی قرار گیرد. ایران، به عنوان یک پل مناسب برای عبور کالاهای ترانزیتی بین کشورهای این منطقه با کشورهای غربی و جنوب شرقی آسیا که از طریق خلیج فارس و دریای عمان با آب های آزاد مرتبط است، مطرح است و می تواند به عنوان اقتصادی ترین مسیر برای این منظور مورد استفاده قرار گیرد. این ارتباط می تواند برای هر دو طرف این معادله بسیار سودآور باشد.

گرچه در خلال چندسال گذشته، مخالفت غرب با هرگونه حضور پررنگ اقتصادی ایران در آسیای مرکزی توسعه ی روابط ایران با این کشورها را تحت تأثیر قرارداد است، حتی زمانی که این کشورها خواهان گسترش روابط بوده اند (سپتامبر، ۱۳۸۵: ۷۱)، ولی دولت ایران تلاش خود را جهت حضور مؤثر در این منطقه کماکان ادامه می دهد.

۲-۲- آب

دغدغه های کمبود آب تدریجاً در دستور کار جهانی قرار گرفته است. مدیریت آب با مسائل امنیتی گره خورده است، پدیده ای که از آن به عنوان "تضمین مدیریت منابع آبی" یاد می کنند.

کابوس تشدید رقابت برای آب میان کشورها به یک مناقشه عمومی دامن زده که موافقان و مخالفان را به دو دسته تقسیم می کند. کتب تخصصی در این زمینه به نگارش در آمده است که آب را دوران ساز و سبب بروز جنگ های آبی میان کشورها توصیف می کند. به طور مثال، "گلیک"^۱ بر این عقیده است که آب و سیستم های تأمین آب احتمالاً جزو اهداف نظامی و ابزارهای جنگی خواهند بود.^۲ با ذکر قضیه اردن و دیگر اختلافات بر سر آب، چنین نتیجه گیری می کند که "منع تجدیدپذیری که بیش ترین احتمال را برای آتش افروزی بین کشورها دارد، همان آب است".

کلیه این تجزیه و تحلیل ها حکایت از آن دارد که آب به طور بالقوه می تواند به بروز جنگ دامن بزند و همین طور پلی برای ایجاد روابط باشد. آب های فرامرزی تقریباً همیشه موجب بروز تنش میان جوامعی است که آنها را به هم می پیوندد. این تنش ها را نباید به صورت جداگانه در نظر گرفت، زیرا این آب ها به واسطه عواملی به هم گره خورده اند که بزرگ تر از روابط بین کشورها است و دغدغه های امنیت ملی، فرصت های اقتصادی و حفظ محیط زیست را شامل می شود (بیترایس، ۲۰۰۸).

آب از اهمیت خاصی در منطقه آسیای مرکزی برخوردار است. بخش عمده آب آشامیدنی این منطقه از چشمه های رشته کوه های بلند پامیر و تیان شان^۳ در قسمت شرقی منطقه آسیای مرکزی تأمین می شود که به رودهای اصلی این منطقه یعنی جیحون و سیحون می ریزند. به دلیل واقع شدن این منطقه در نواحی خشک و نیمه خشک در کشورهای آسیای مرکزی، رقابت برای دسترسی به آب با شدت نگران کننده ای آغاز شده و منطقه را که به لحاظ سیاسی همچنان نا آرام تلقی می شود، دستخوش تنش های بیشتر ساخته است.

تفاوت سطح اقتصادی و توان نظامی کشورهای پایین دست در مسیر رودخانه ها (ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان) با کشورهای بالا دست رودخانه ها (مانند تاجیکستان و قرقیزستان) موجب عدم توازن در منطقه شده و می تواند عامل مهمی برای بروز مناقشات بر سر آب باشد. ایران، ضمن آن که می تواند در نقش کشور میانجی در رفع اختلافات احتمالی این کشور حضور فعالانه داشته باشد، می تواند با قانونمند کردن بهره برداری از منابع مشترک آبی با برخی از کشورهای آسیای مرکزی راه را بر اختلافات آبی ببندد و در صورت نیاز شرایط لازم برای استفاده از منابع آبی کشورهای آسیای مرکزی در نواحی شمال شرق را فراهم آورد. این وابستگی متقابل دیدگاه های طرفین را در خصوص مسائل خارجی و گاه داخلی به یکدیگر نزدیک خواهد کرد.

^۱ - Gleick

^۲ - Homer-Dixon

^۳ - Tien shan

۳- پیمان‌ها و اتحادیه‌ها

از دغدغه‌های مشترکی که کشورهای آسیای مرکزی پس از جدایی از روسیه همواره با آن مواجه بوده‌اند، مشکلات اقتصادی، جدایی طلبی، حرکت‌های تروریستی و جریان‌های بنیادگرایانه به عنوان منابع جدی تهدیدهای داخلی علیه تمامیت ارضی، ثبات و امنیت برای این کشورها به شمار می‌رود (حقیقی، ۱۳۸۸: ۳۵). بنابراین این کشورها سعی نمودند وارد پیمان‌های منطقه‌ای با اهداف اقتصادی (اگو) و یا در پوشش اقتصادی اما با هدف امنیتی و نظامی (پیمان شانگهای) گردند. عضویت ایران و کشورهای آسیای مرکزی در این دو سازمان منطقه‌ای زمینه بسیار مناسبی جهت اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای هر دو طرف ایجاد می‌نماید.

البته باید به سابقه ناامید کننده تاریخی و تجربه ناموفق همگرایی در منطقه، رقابت میان پکن و مسکو برای ایفای نقش برتر در سازمان، اهداف و اولویت‌های متفاوت و بعضاً متعارض برخی از اعضاء، و نیز فقدان و ناکارآمدی سیستم‌ها و زیرساخت‌های مورد نیاز برای شکل‌گیری یک سازمان و پیمان منطقه‌ای فعال و پویا در کشورهای عضو اشاره کرد (خانی، ۱۳۸۵: ۴۳). مسائل مذکور می‌تواند آینده این همکاری‌ها را با چالش‌هایی نیز مواجه نماید.

به علاوه عضویت ایران و کشورهای آسیای مرکزی در سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند در راستای منافع مشترک اسلامی طرفین به همکاری‌های گسترده در جنبه‌های مختلف بینجامد و این کشورها به متحدانی استراتژیک برای یکدیگر تبدیل شوند. حضور در پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند به اتخاذ مواضع مشترک در مسائل جهانی و در عرصه بین‌المللی نیز منجر شود.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مبتنی بر جلوگیری از نفوذ و سلطه قدرت‌های فرا منطقه‌ای، حفظ ثبات اقتصادی و توسعه حسن همجواری با همکاری‌های متقابل اقتصادی، و حفظ روابط دوستانه با روسیه بوده است.

ایران با دارا بودن ویژگی‌های جغرافیایی و مسیر ارتباطی مناسب و پیوندهای تاریخی و فرهنگی مشترک برای ارتباط جمهوری‌های آسیای مرکزی با یکدیگر و نیز جهان، بهترین شرایط را داراست. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گشایش مرزهای جدید فرصت‌های جدید و متنوعی را برای ایران به وجود آورد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر دین مشترک با اکثر جمهوری‌های آسیای مرکزی، دارای پیوندهای تاریخی، قومی و فرهنگی است و با تاجیکستان و مردم سمرقند و بخارا در ازبکستان نیز دارای زبان مشترک می‌باشد. به لحاظ مسائل ژئوپلیتیکی هیچ‌یک از این جمهوری‌ها به طور مستقیم به آب‌های آزاد دسترسی ندارند. ارتباط با دریاهای آزاد از طریق ایران موجب گسترش روابط اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های این کشورها می‌شود و نیز اتصال به بازارهای جهانی علاوه بر پویایی در اقتصاد این کشورها می‌تواند موجب تقویت اقتصاد ایران نیز شود. با توجه به مشترکات تاریخی، دینی، فرهنگی و زبانی زمینه همکاری‌های گسترده‌ای در لایه‌های مختلف اجتماعی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد.

تقویت دستگاه سیاست خارجی در زمینه طبقه بندی، اولویت بندی و به خصوص تجزیه و تحلیل مناسب از حجم فزاینده تحولات آسیای مرکزی باعث خواهد گردید تا دیپلماسی کشور در عرصه حفظ منافع، جذب سرمایه و جلب فرصت های ترانزیت انرژی و کالاهای غیر نفتی از قلمرو کشور و شرکت در گروه بندیهای فعال اقتصادی به موفقیت های حتمی دست یابد. این نکته از این حیث حائز اهمیت است که امروز بنیان قدرت از وجه نظامی و امنیتی به وجه اقتصادی و فناوری تغییر یافته است.

کتابنامه

- آکینر، شیرین. (۱۳۸۳). «سیاسی گرای اسلام در دوره پیش از شوروی». *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- ابوالحسنی شیرازی، حبیب الله. (۱۳۷۹). «منافع ملی آمریکا در آسیای مرکزی در رقابت با روسیه». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. سال نهم. دوره سوم. شماره ۲۹.
- بیترایس، موسلو، مهدیان، رضا. (۲۰۰۸). *مجله امور بین المللی دانشگاه پرینستون*.
- حقیقی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «ایران و سازمان همکاری شانگهای». *فصلنامه گزارش*. شماره ۲۰۸.
- خانی، محمد حسن. (۱۳۸۵). «از هلسینگی تا شانگهای؛ نگاهی به سازمانهای منطقه ای در آسیای مرکزی». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. سال چهاردهم. دوره چهارم. شماره ۵۳.
- رشید، احمد. (۱۹۹۲). «تجدید حیات تصوف». *مجله اقتصادی شرق دور*.
- رضائی، روح الله. (۱۳۸۰). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. ترجمه علیرضا طیب. نشر نی.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی ایران*. تهران: نشر میزان.
- سیمبر، رضا. (۱۳۸۵). «جایگاه ایران در تحولات ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز». *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای*. شماره ششم.
- شکوهی، حسین. (۱۳۶۴). *فلسفه جغرافیا*. تهران: گیتاشناسی.
- طیب، علیرضا. (۱۳۶۹). *گروه استراتژی اروپا، گورباچف و امنیت اروپا*. قومس.
- عزتی، عزت الله. (۱۳۷۱). *ژئوپولیتیک*. تهران: سمت. چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۱). *تحلیلی بر ژئوپولیتیک ایران و عراق*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۸۲). *ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم*. انتشارات سمت.
- کولایی، الهه. (۱۳۷۲). *اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی*. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- _____ ناتو و امنیت آسیای مرکزی. *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*. شماره ۳.
- کائوشیک، دوندرا. (۱۹۷۰ م). *آسیای مرکزی در ازمینه جدید*. مسکو: انتشارات توسعه.
- گرومف، بوریس. (۱۳۷۵). *ارتش سرخ در افغانستان*. ترجمه عزیز آریانفر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- لاکست، ایو. *مسائل ژئوپولیتیک، اسلام، دریا، آفریقا*. ترجمه عباس آگاهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). *ایده های ایرانی و دیگر گونیه های ژئوپولیتیک*. نشر نی.

محسنین، مهرداد. (۱۳۷۴). روابط ایران با آسیای مرکزی و قفقاز. *مجله سیاست خارجی*. سال نهم. شماره یک.